



## الزامات رقابت‌پذیری در بخش‌های صنعت و تجارت

■ دکتر محمدرضا عباسی\*  
حسین رحیمی کلور\*\*

گسترش تجارت جهانی، تغییرات سریع در الگوهای مصرف و تقاضا، انقلاب در فناوری اطلاعات و نیز افزایش در کمیت و کیفیت رقابتی محلی و بین‌المللی در دو دهه اخیر موجب شده، مفهوم رقابت‌پذیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود. لذا در این مقاله مفاهیم اصلی و اساسی رقابت‌پذیری، مؤلفه‌های تأثیرگذار در رقابت‌پذیری، رابطه توسعه اقتصادی با رقابت‌پذیری اقتصاد، رقابت‌پذیری و صادرات تبیین شده و ضمن برشماری عناصر سه‌گانه توسعه و رونق اقتصادی یک کشور به موارد رقابت‌پذیری و یکپارچگی در حوزه سیاست‌های صنعتی با نگرش‌های کاملاً بومی اشاره شده است.

### مفهوم رقابت‌پذیری

مطالعه نظریات صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد از رقابت‌پذیری تعریف و تعبیر واحدی وجود ندارد. اما به طور کلی می‌توان رقابت‌پذیری را قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی دانست که یک کسب‌وکار، صنعت، منطقه، کشور دارا هستند و می‌توانند آنها را حفظ کنند تا در عرصه رقابت بین‌المللی نرخ بازگشت بالایی را در فاکتورهای تولید ایجاد کنند و نیروی انسانی خود را در وضعیت نسبتاً بالایی قرار دهند. به عبارت دیگر، رقابت‌پذیری توانایی افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش افزوده و ماندن در صحنه رقابت عادلانه و بین‌المللی برای یک دوره طولانی است.

رقابت‌پذیری در اثر ترکیبی از دارایی‌ها و فرایندها به وجود می‌آید. دارایی‌ها یا به صورت موهبتی است (مثل منابع طبیعی) و یا ساخته شده به وسیله انسان است (مثل زیرساخت‌ها) و فرایندها که دارایی‌ها را به منافع اقتصادی حاصل از فروش به مشتریان تبدیل می‌کند و در نهایت موجب ایجاد رقابت‌پذیری می‌گردند.

از طرفی رقابت‌پذیری یک مفهوم تطبیقی است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالاها یا خدمات خود به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. رقابت‌پذیری امروزه مفهوم یا قلمروی گسترده‌ای دارد و در تعیین آن ده‌ها

فرایند جهانی شدن، به وجود آمدن سازمان تجارت جهانی و یکپارچگی بازارهای جهانی، پیشرفت‌های سریع و بنیادین تکنولوژیک، پیشرفت‌های جدید در زمینه فناوری اطلاعات، افزایش تغییرات سریع در الگوهای مصرف و تقاضا، تبیین کنترل‌های آلودگی محیط زیست و حفظ منابع انرژی، کمبود منابع و هزینه‌های بالای آنها، چالش‌هایی هستند که بنگاه‌ها و صنایع مختلف در عرصه تجارت و فعالیت‌های اقتصادی با آن روبه‌رو هستند و ادامه حیات آنها، منوط به تصمیم‌گیری درست و به‌موقع در برابر این تغییرات است. در این میان، فرایند جهانی شدن و گسترش بازارهای مصرف و نیز افزایش تعداد رقبا و شدت رقابت، باعث اهمیت بخشیدن به مفاهیمی مانند رقابت‌پذیری شده است.

این امر موجب شده تا بنگاه‌ها، صنایع و کشورهای مختلف در جهت ارتقای رقابت‌پذیری خود به شناسایی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری و تقویت آنها تلاش کنند. بسیاری از محققان جهت توجیه و تفسیر رقابت‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن، نظریه و مدل‌هایی را عرضه کرده‌اند و عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری را دسته‌بندی کرده و در قالب مدل‌هایی ارائه کرده‌اند. این نظریه‌ها و مدل‌ها نیز از تنوع نسبتاً زیادی برخوردارند. اما در این میان ما به دنبال یافتن مدلی کاملاً بومی در حوزه‌های تجاری و صنعتی هستیم که ضمن بهره‌گیری از مدل‌های غربی، پاسخگوی نیازهای واقعی کشور باشد.

فاکتور یا عامل دخالت دارند. رقابت پذیری در سه سطح قابل بررسی و مطالعه است:

۱. در سطح شرکت‌ها

۲. در سطح ملی

۳. در سطح بین‌المللی

هر شرکتی که بتواند به بهترین شکل ممکن، منابع در دسترس اعم از سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی را تلفیق کرده و محصول تولیدی خود را به بازار عرضه کند، شانس موفقیت بیشتری دارد.

هر کشوری کوشش می‌کند از همه توانمندی‌های خود اعم از منابع طبیعی، نیروی متخصص، سرمایه‌های معنوی، موفقیت ژئوپلیتیکی، ویژگی‌های فرهنگی و... برای توسعه تجارت و پیشی گرفتن بر رقبای استفاده کند و رقابت‌پذیری را به خارج از مرزهای جغرافیایی خود تسری دهد و در جرگه قدرت‌های بزرگ اقتصادی در منطقه یا عرصه بین‌المللی قرار گیرد.

بستگی دارد که نشان می‌دهد «بهره‌وری» رقابت‌پذیری در ساده‌ترین تحلیل به یک ملت تا چه حد می‌تواند از نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی خود برای توسعه اقتصادی استفاده کند. به موازات توسعه بهره‌وری دستمزدها افزایش می‌یابد، بازارها گسترش پیدا می‌کند، درآمد کشورها بالا می‌رود و سرانجام اتباع کشور را رفاه بیشتری برخوردار می‌شوند.

### مؤلفه‌های تأثیرگذار در رقابت‌پذیری

کارشناسان اقتصادی، عوامل متعددی را در رقابت‌پذیری مؤثر می‌دانند. در گزارش به ۱۲ عامل مهم اشاره شده است که هر یک از «مجمع جهانی اقتصاد» سال جاری این عوامل به نوبه خود به زیربخش‌های متعدد دیگری تقسیم می‌شوند.

#### ۱. نهادها (Institutions)

نهادهای سازمان‌ها یا تشکیلات اداری موجود در هر کشور چارچوب‌ها یا محدوده‌های خاصی محسوب می‌شوند که در درون آنها افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر ارتباط یا تعامل برقرار می‌کنند تا بتوانند برای اقتصاد کشور درآمد یا ثروت تولید کنند.

#### ۲. زیرساخت‌ها (Infrastructures)

بررسی‌های انجام شده ثابت کرده است که وجود زیرساخت‌های گسترده و کارآمد، نیروی محرکه رقابت‌پذیری است و بدون ایجاد این زیرساخت‌ها نمی‌توان در عرصه رقابت‌پذیری کردن اقتصاد به موفقیت دست یافت.

از جمله این زیرساخت‌ها می‌توان به برخورداری یک کشور از شبکه کارآمد حمل‌ونقل، نیروی متخصص، مناسب بودن کیفیت جاده‌ها و شاهراه‌ها، خطوط راه‌آهن مدرن، بنادر مجهز، و خطوط هوایی منظم اشاره کرد، به گونه‌ای که صادرکنندگان بتوانند کالاهای خود را به‌موقع و با اطمینان خاطر به بازارهای هدف عرضه کنند.

این قبیل زیرساخت‌ها امکان نقل و انتقال نیروی کار را به مشاغل مناسب فراهم می‌کند.

#### ۳. ثبات اقتصادی در سطح کلان (Macroeconomic Stability)

هنگامی که در یک کشور نرخ تورم بالا یا خارج از کنترل است، شرکت‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی نمی‌توانند تصمیمات آگاهانه، منطقی یا خردمندانه‌ای اتخاذ کنند.

اگر نرخ بهره بالا باشد، یا دولت‌ها بابت بدهی‌های گذشته خود ناگزیر به تحمل بهره‌های گزافی باشند، قادر نخواهند بود تسهیلات مناسبی در اختیار واحدهای تولیدی، صادرکنندگان یا مؤسسات تجاری قرار دهند. کشورهایی که اقتصاد کلان آنها دستخوش عدم ثبات است، از لحاظ رقابت‌پذیری در موقعیت مطلوبی قرار ندارند.

#### ۴. بهداشت و آموزش‌های اولیه (Health)

برخورداری یک کشور از نیروی کار سالم و تندرست در رقابت‌پذیری و

بهره‌وری نقش حیاتی دارد. نیروی کار بیمار نمی‌تواند وظایف خود را به درستی انجام دهد یا از توانمندی‌های خود به طور کامل استفاده کند، به همین سبب بازده اقتصادی کمتری دارد. سرمایه‌گذاری غیرمکفی در بخش بهداشت، هزینه‌های هنگفتی به بخش تجارت (و به طور کلی اقتصاد کشور) تحمیل می‌کند.

#### ۵. تحصیلات عالی و کارآموزی (Higher Education and Training)

کیفیت تحصیلات عالی در هر کشور و آموزش‌هایی که به افراد داده می‌شود، در رقابت‌پذیری اقتصاد تأثیر قاطع دارد و تردیدی نیست که اگر نیروی کار از تخصص یا آموزش‌های اساسی برخوردار نباشد، یا تحصیلات عالی در یک کشور از کیفیت مطلوب برخوردار نباشد و با استانداردهای بین‌المللی منطبق نباشد، بنگاه‌های اقتصادی قادر به اصلاح و بهبود فرآیندهای تولید و گذار از مرحله تولید کالاهای ساده به کالاهای پیچیده و مبتنی بر فناوری پیشرفته نخواهند بود.

#### ۶. کارآمدی بازار کالا (Goods Market Efficiency)

کشورهایی که از بازار کالای کارآمدی برخوردارند، بخوبی قادرند از «آمیزه تولید کالاهای و خدمات» به بهترین نحو بهره‌برداری کنند. تولید کالای مناسب با قیمت و کیفیت مناسب، منطبق با نیاز مصرف‌کننده، امکان راه‌یابی به بازارهای فروش در داخل و خارج را فراهم می‌کند. این کشورها تنها تولیدکننده یک یا چند نوع محصول مشخص نیستند، بلکه می‌توانند خطوط تولید خود را متناسب با تحول در بازار تغییر دهند. ویژگی‌های کالاهای موجود را تغییر دهند یا به تولید کالاهای جدیدی مبادرت کنند و چرخه حیات کالاهای خود را افزایش دهند یا ماندگاری آنها را بیشتر کنند.

#### ۷. کارآمدی بازار کار (Labor Market Efficiency)

اگر بازار کار در یک کشور از انعطاف و کارایی لازم برخوردار باشد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که اقتصاد آن کشور از وجود این نیرو به کارآمدترین شکل ممکن استفاده خواهد کرد. مشوق‌هایی که به نیروی کار داده می‌شود باید با نوع شغل و درجه کارایی افراد متناسب باشد.

#### ۸. پیچیدگی بازار مالی (Financial Market Sophistication)

کشورها به بازارهای مالی پیشرفته و پیچیده نیاز دارند، به گونه‌ای که بخش خصوصی بتواند برای سرمایه‌گذاری از منابع متعدد و ابزار گوناگون استفاده کند و برای تأمین نیازهای خود تنها به منابع بانکی متکی نباشد. البته وجود یک سیستم بانکی کارآمد که از یک خط‌مشی پولی سالم تبعیت کند، لازمه رقابت‌پذیری کردن اقتصاد است.

#### ۹. سطح آمادگی تکنولوژیکی (Technological Readiness Level)

ارزایی سطح آمادگی تکنولوژیکی یک کشور در تشخیص درجه رقابت‌پذیری آن کشور اهمیت زیادی دارد. معیارهای متعددی برای تعیین سطح آمادگی تکنولوژیکی یک کشور وجود دارد. هنگامی که یک فناوری برای نخستین بار ابداع می‌شود. بلافاصله قابلیت کاربرد ندارد بلکه باید از طریق تجربه، آزمون‌های واقعی و روش‌های دیگر اجرایی کردن آن را محقق ساخت.

پایین‌ترین سطح آمادگی تکنولوژیکی با پژوهش‌های علمی آغاز می‌شود این پژوهش‌ها باید به تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای تبدیل شوند.

#### ۱۰. اندازه بازار (Micro-Machine)

اندازه یک بازار در بهره‌وری تأثیر بسزایی دارد، زیرا هر چه بازاری که در دسترس یک شرکت قرار دارد گسترده‌تر یا بزرگ‌تر باشد، آن شرکت بهتر می‌تواند از مزایای تولید انبوه بهره‌مند شود. گستردگی بازارها در رقابت‌پذیری تأثیر بسزایی را فراهم می‌سازند. «اقتصاد مقیاس» دارند. زیرا امکان استفاده از برای شرکت‌هایی که در قلمروی یک کشور فعالیت دارند برخورداری از تقاضای بالا جهت فروش محصول، واجد اهمیت زیادی است.



## ۱۱. تخصصی شدن تجارت (Business Sophistication)

در دنیای امروز، تجارت بیش از پیش تخصصی شده و با روش‌های ساده نمی‌توان به اهداف بزرگ تجاری دست یافت. هنگامی که عرضه‌کنندگان یک کالا یا فعالان یک بخش خاص اقتصادی از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک شده و به اقدام می‌کنند کارایی آنها افزایش می‌یابد و «خوشه‌صادراتی» ایجاد یک یا فرآیند تولید در اختیار آنان قرار «نوآوری در محصول» فرصت‌های بیشتری برای می‌گیرد و موانعی که در راه ورود به بازار، برای شرکت‌های نوپای عضو خوشه‌های صادراتی وجود دارد کاهش می‌یابد که نتیجه آن افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای هدف است.

## ۱۲. نوآوری (Innovation)

نوآوری در اقتصاد عبارتست از ایجاد تحولی است که به افزایش ارزش از دیدگاه تولیدکننده یا مصرف‌کننده منجر شود. هدف از نوآوری ایجاد تغییرات مثبت در جهت بهینه کردن کالاها، ایجاد تسهیل در زندگی، دستیابی به رفاه و نظایر آن است.

از آنجا که نوآوری به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود رقابت‌پذیری را ارتقاء می‌بخشد که نتیجه آن افزایش درآمد و ثروت جامعه است.

نوآوری نه تنها در برگزیده نوآوری‌های تکنولوژیکی است به تزریق کالاها و خدمات جدید به درون اقتصاد منجر می‌شود بلکه شامل سایر اشکال نوآوری مانند نوآوری‌های سازمانی نیز می‌شود که ماهیتی غیر تکنولوژیک دارند. نوآوری‌های اخیر مشتمل بر معرفی روش‌های جدید مدیریتی، تکنیک‌های نوین بازاریابی، به کارگیری تدارکات لجستیکی و نظایر آنهاست.

## رابطه توسعه اقتصادی با رقابت‌پذیری اقتصاد

درجه توسعه‌یافتگی کشورها در رقابت «مجمع جهانی اقتصاد» براساس معیارهای رقابت‌پذیری آنها تأثیرگذار است. کشورهای تحت بررسی مجمع، از لحاظ توسعه در طبقه‌بندی‌های زیر قرار می‌گیرند.

### مرحله یک

کشورهایی که درآمد سرانه کمتر از ۲۰۰۰ دلار و اقتصاد آنها Factor Driven است. این کشورها عمدتاً صادرکننده منابع طبیعی و کالاهای کم‌ارزش هستند. بنگاه‌های اقتصادی این کشورها بیشتر به تولید کالاهای اولیه‌ای اشتغال دارند که سهم آنها در زنجیره ارزش اندک است.

نوسانات بهای مواد اولیه، تغییرات نرخ ارزهای معتبر و سیکل‌های اقتصادی دنیا بشدت در اقتصاد این کشورها تأثیر می‌گذارد.

### مرحله دو

کشورهایی که دارای اقتصاد کارایی محور (Efficiency-Driven) هستند و درآمد سرانه آنها بین ۳۰۰۰ تا ۹۰۰۰ دلار است.

کشورهایی که درآمد سرانه آنها بیش از ۲۰۰۰ دلار و کمتر از ۳۰۰۰ دلار است، در حال انتقال یا گذار از مرحله یک به مرحله دو هستند.

### مرحله سه

کشورهایی که اقتصاد آنها بر نوآوری متکی است و اصطلاحاً «نوآوری محور» (Innovation Driven) نامیده می‌شوند. درآمد سرانه این کشورها بالاتر از ۱۷۰۰۰ دلار است.

کشورهایی که درآمد سرانه آنها بین ۹۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ دلار است، در حال گذار از مرحله دو به مرحله سه هستند.

## رقابت‌پذیری و صادرات

عوامل متعددی در رقابت بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای صادراتی تأثیر می‌گذارند. این عوامل به اختصار عبارتند از:

### ۱. عوامل داخلی

مهم‌ترین عوامل توانمندی‌های مدیران و کارآفرینان و میزان آگاهی آنان در

زمینه تکنولوژی، بازاریابی و فنون نوین مدیریت است.

کیفیت تولید در یک کشور و در چه صنعتی شدن آن و نحوه حمایت دولت از بخش صادرات (قوانین، مقررات، یارانه‌ها، زیرساخت‌ها و نظایر آنها) از اهمیت خاصی برخوردارند.

### ۲. عوامل خارجی

عضویت کشورها در پیمان‌های منطقه‌ای یا سازمان‌های اقتصادی و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای که صادرکنندگان در بازارهای هدف مواجه هستند. دسترسی آزادانه به بازارهای مورد نظر با عدم دسترسی به این بازارها به سبب تحریم‌های اقتصادی یا تعامل غیرفعال و بعد جغرافیایی و فاصله بسیار زیاد با بازارهایی که می‌توانند در زمره خریداران بالقوه کالاهای صادراتی باشند از عوامل تأثیرگذار در رقابت‌پذیری بخش صادرات هستند.

دشواری دستیابی به فناوری پیشرفته، به سبب نارسایی قوانین مرتبط با حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا عدم همکاری کشورهای دارنده فناوری پیشرفته مانع از تولید کالاهایی می‌شود که High-Tech یا دانش‌بر Edge Intensive Items- Know نامیده می‌شوند، بدین ترتیب واحدهای تولیدی قادر به ساخت کالاهایی که درآمد ارزی بیشتری عاید کشور می‌کند و موقعیت کشور را از لحاظ رقابت‌پذیری ارتقاء می‌بخشد، نخواهند بود.

## مدل توسعه اقتصادی کشور

در ادبیات جدید جهانی برای توسعه کشور نقش محدودی به دولت‌ها واگذار شده است. این تحول در ادبیات اقتصادی بی‌دلیل نیست. امروزه بسیاری از کشورها بدون دخالت‌های مستمر دولت توسعه یافته‌اند و وظیفه توسعه‌ای دولت را تنها به بسترسازی و زمینه‌سازی برای فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها محدود کرده‌اند. این در حالی است که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و حتی ۷۰ میلادی دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات اقتصادی کشورهای جهان، بخصوص در کشورهای در حال توسعه، داشته‌اند. در دهه گذشته با تکیه بر تعیین‌کنندگی بنگاه‌های اقتصادی، مدلی با ۳ مؤلفه اصلی برای پایه‌گذاری توسعه اقتصادی کشورها طراحی شده است که از سادگی و تناسب قابل توجهی برخوردار است.

در یک کلام، می‌توان توسعه و بهبود و رونق اقتصادی یک کشور را تابعی از سه عنصر کاملاً مرتبط به هم دانست. این عناصر به شرح زیرند:

۱. زمینه مناسب سیاسی و اقتصادی کلان کشور

۲. فضای کسب‌وکار در سطح خرد

۳. عملیات و راهبرد شرکت‌ها

اولی زمینه‌سازی و دومی فضای کسب‌وکار کشور را برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری بیشتر آماده می‌کند و سومی موجب تحرک، نرخ رشد اقتصادی، و رقابت‌پذیری در پهنه جهانی است.

## رقابت‌پذیری و یکپارچگی در سیاست‌های صنعتی کشور

### - ارتقای نظام سیاست‌گذاری در حوزه صنعت و معدن و کاهش تصدی‌گری

۱. اصلاح نظام سیاست‌گذاری صنعتی با تأکید بر نگرش یکپارچه به صنعت تجارت و اقتصاد، توجه به روابط متقابل بین سیاست‌های حوزه صنعت با سایر حوزه‌های اقتصادی.

۲. تلاش در جهت ایجاد ثبات حداکثری در قوانین و مقررات در حوزه‌های مرتبط با بخش صنعت و معدن به منظور کاهش درجه خطرپذیری برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی.

۳. تقویت تشکلهای و انجمن‌های تخصصی و صنفی تولیدکنندگان بخش غیردولتی.

۴. تسریع در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و تداوم خصوصی‌سازی همراه با توسعه پیش‌نیازها و زیرساخت‌های بازارهای رقابتی و رفع انحصاری‌های غیرضروری.

۵. اصلاح سیاست‌های تجاری به منظور حمایت از قانون حداکثر همراه با ارتقای کیفیت محصولات داخلی و افزایش مزیت‌های رقابتی به منظور توسعه صادرات و اصلاح مقررات کند کننده روند تولید.

۶. حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی در حوزه صنعت و معدن با رعایت اولویت‌ها و مزیت‌های منطقه‌ای.

#### **- افزایش توان رقابت پذیری بنگاه‌های تولیدی با محوریت توسعه صادرات**

۱. افزایش رقابت‌پذیری از طریق ارتقای کیفیت و کاهش هزینه‌های تولید
۲. استمرار حمایت از ارتقا کیفی و تنوع بخشی به محصولات صنعتی و معدنی در راستای رسیدن به تولید در کلاس جهانی
۳. تسریع و تسهیل در فرآیند شکل‌گیری شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی و تعاونی‌های مختلف سهامی عام در بین بنگاه‌های تولیدی، بخصوص SME
۴. پیگیری در جهت توسعه و تقویت بورس بین‌المللی با هدف کاهش هزینه‌های حضور در بازار

#### **- افزایش بهره‌وری در صنعت**

۱. اندازه‌گیری و اعلام شاخص‌های بهره‌وری در سطوح مختلف بخش صنعت و معدن
۲. اجرای کامل سیاست‌های اصل ۴۴ و قانون مصوب در جهت واگذاری هوشمندانه مدیریت و مالکیت بنگاه‌های صنعتی و معدنی به بخش خصوصی
۳. تخصیص منابع با اولویت‌دهی به سرمایه‌گذاری با بهره‌وری بالا
۴. نوسازی تدریجی صنایع فرسوده به منظور بهبود شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید
۵. همکاری با نهادهای آموزشی برای تقویت ارتباط و تناسب بین سیستم آموزش رسمی و آموزش مهارتی با بازار کار
۶. ایجاد مشوق‌های مناسب برای افراد شرکت‌ها و سازمان‌ها برای ارتقای بهره‌وری از محل منابع پیش‌بینی شده در قانون اصل ۴۴ و لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها و سایر منابع در دسترس.

#### **- مدیریت بحران جهانی اقتصاد با هدف حداقل سازی اثرات مخرب**

۱. افزایش سرعت عمل در تصمیم‌گیری و وضع مقررات و تسهیلات لازم مانند کارگروه ویژه تولید که به ریاست رئیس‌جمهور محترم تشکیل شده است و تشکیل کارگروه‌های تخصصی متناظر با آن.
۲. اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی روزآمد به بنگاه‌های تولیدی در مورد میزان و نحوه اثر بحران در صنایع مختلف در کوتاه‌مدت و بلندمدت از طریق رسانه‌های عمومی، نشریات و سایت‌های حوزه صنعت و معدن، و برگزاری دوره‌های آموزشی
۳. شناسایی و تدوین تأمین منابع مالی با توجه به شرایط بحران
۴. بهره‌گیری از اهرم‌های حقوقی و قانونی برای حمایت از صنایع دچار بحران
۵. محدودیت یا ممنوعیت ورود کالاها از خارج بدون کیفیت و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ضد دامپینگ.

#### **- تشکیل کارگروه ویژه تأمین منابع مالی برای بخش صنعت و معدن با مشارکت دستگاه‌های ذیربط و شکل‌های فراگیر با هدف**

۱. جذب سرمایه‌های خارجی به منظور تأمین سرمایه‌های لازم در بخش صنعت و معدن

۲. برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت تسهیل در جذب سرمایه‌های بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری در بخش صنعت و معدن

۳. ایجاد بانک اطلاعات جامع سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن

۴. تدوین برنامه کاهش خطرپذیری سرمایه در فضای کسب‌وکار در حوزه توسعه فناوری با مشارکت شرکت‌های دانش‌بنیان

۵. تعریف و ارائه راهکارهای ویژه جذب سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته.

#### **- اهتمام ویژه به توسعه صنایع مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته**

۱. تقویت و گسترش صندوق‌های تحقیق و توسعه بخش خصوصی و دولتی در حوزه فناوری‌های پیشرفته و تلاش جهت تجهیز هر چه بیشتر منابع آنها
۲. نفوذ فناوری‌های نو در صنایع موجود کشور
۳. توسعه و تقویت تشکل‌های تخصصی صنایع نوین
۴. گسترش شرکت‌های کوچک و متوسط فناور
۵. تشکیل کنسرسیوم‌های مشترک جهت انجام پژوهش‌های کلان راهبردی و نیازمحور در حوزه‌های استراتژیک مانند خودروه‌های هیبریدی، پیل سوختی، غشاها و با رویکرد تجاری‌سازی
۶. حمایت قانونی از شرکت‌های ایرانی برای انجام پژوهش‌های مشترک و ایجاد Joint Venture با شرکت‌های خارجی به منظور کسب، جذب و صادرات. فناوری، بویژه در حوزه فناوری‌های پیشرفته
۷. ایجاد بانک جامع اطلاعات فناوری و دانش فنی بخش
۸. توسعه برنامه تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور.

#### **- عدالت‌محوری و ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای**

۱. ساماندهی و بهبود نظام سیاست‌گذاری در همه سطوح اجرایی در راستای شفاف‌سازی و ایجاد فرصت‌های برابر برای سرمایه‌گذاران
۲. ابطال جوازهای تأسیس راکد و پایش دوره‌های طرح‌های در دست اجرای آنها جهت شفاف کردن افق سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان این عرصه
۳. ادامه اصلاح محدوده‌های معدنی و اجرای کامل آن در کشور و امکان استفاده کامل از ثبت مکانیزه محدوده‌ها
۴. جلوگیری از ایجاد انحصار در انجام فعالیت‌های صنعتی و معدنی
۵. فراهم‌سازی بسترها و ساختارهای مورد نیاز جهت حفظ حقوق مالکیت معنوی.

#### **- حمایت از اشتغال‌زایی مولد در بخش معدن و صنایع معدنی**

۱. تقویت، حمایت و توسعه طرح فاجد در راستای جذب فارغ‌التحصیلان جوان در فعالیت‌های اکتشافی و معدنی کشور
۲. استمرار در راه‌اندازی و فعال کردن معادن متروکه با هدف جذب فارغ‌التحصیلان بخش معدن.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

\*\* دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور تهران

- منابع در دفتر ماهنامه موجود است.